

گردشگری

هنر معماری طبیعت
در کلوتهای شهادت



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی



نام عجایب هفت گانه که به گوش هر کسی می خورد بدون شک اولین گزینه‌ای که در نظرش می آید اهرام مصر است. دلیل آنکه اهرام مصر جزو عجایب هفت گانه شمرده می شود آن است که بشر توانسته بدون تکنولوژی و جرثقیل چنین بنای عظیمی را بسازد. اما در کشور خودمان ایران مجسمه‌های بلند سنگی وجود دارند که بدون تکنولوژی و جرثقیل و حتی بدون دخالت نوع بشر ساخته شده‌اند و معماری جز طبیعت ندارد. در ۸۷ کیلومتری شمال شرق شهر کرمان و در شمال شرقی مناطق سرسبز و کوهستانی سیرج منطقه‌ای کویری موسوم به شهداد واقع شده است که پیشینه تاریخی بسیار طولانی دارد از نخستین سکونتگاه‌ها و تمدن‌ها در ایران باستان به شمار می‌رود. اما در این قسمت از کویر لوت پدیده‌های زمین شناختی عجایب انگیزی وجود دارند که هر بیندای را مجذوب خود می‌کند. واژه فارسی کلوتهای کویر «کل» و «لوت» تشکیل می‌شود؛ «کل» به معنای شهر و آبادی است و «لوت» به کویر لوت اشاره دارد؛ اما در واقع کلوتهای که نام علمی آن «یاردانگ» است عارضه‌های طبیعی هستند که در مناطق خشک دنیا از قبیل ایران، آمریکا، چاد، مصر و پرودر سطح وسیعی گسترش یافته‌اند و اثر فرسایش آبی-بادی ایجاد شده‌اند.



کلوتهای شهداد که به جرات می‌توان به آن لقب ابر شهر کلوخی جهان را داد، از دور دست، شهری بزرگ با آسمان خراش‌های فراوان را تداعی می‌کند و همین امر نیز باعث شده است که برخی جهانگردان خارجی از آن به عنوان «شهر ارواح» یاد کنند و البته سکوت سهمگین و صدای زوزه‌ی باد لابه‌لای مجسمه‌های سنگی نیز به هر چه ترسناک‌تر جلوه کردند. این منطقه کویری کم‌کم می‌کند. عامل اصلی شکل‌گیری کلوتهای هر کجای جهان، باد و آب است؛ در کرمان هم بادهای ۱۲۰ روزه‌ای که از سمت سیستان می‌وزد سبب فرسایش دیواره‌های کلوتهای پدید آمدن این جاذبه طبیعی شده است. هر بار بارش باران روی این کلوتهای چهره تازه‌ای به آن‌ها می‌بخشد و همین موضوع کلوتهای شهداد را منحصر به فرد کرده است؛ چرا که ظاهر صخره‌های قدیمی و تپه‌های شنی دائم‌دار در حال تغییر است، چنان‌که اگر چند سال قبل کلوتهای دیده‌شده دوباره امسال به سراغ آن بروید، احتمالاً هیچ‌کدام از صخره‌ها شبیه به آنچه قبلاً دیده بودید، نیست. اما یکی دیگر از ویژگی‌های شهداد که آن را در جهان منحصر به فرد کرده معرفی آن به عنوان «گرم‌ترین نقطه زمین» است. پروفیسور پرویز کردوانی، بیابان‌شناس، کویر کلوتهای شهداد را گرم‌ترین نقطه زمین دانسته است. در سال ۲۰۰۵، نام‌سازهای هوادر کویر و کلوتهای شهداد را حدود ۷۰ درجه سانتیگراد اندازه‌گیری کرد. این منطقه در بین زمین‌شناسان به یکی از «قطب‌های گرمایی زمین» معروف است. اگر به کرمان سفر کردید، باز دیدار از این هنر معماری طبیعت را از دست ندهید.



قیاس میان دو دوره دبیری حسین مسافر آستانه در جشنواره تئاتر فجر

مرد نخستین دوره‌های اصول گرایی



احسان زبور عالم

عصر سه‌شنبه اختتامیه جشنواره تئاتر فجر در تالار وحدت برگزار شد تا پرونده چهل‌مین و شصت‌مین از مور دنقدترین جشنواره‌های فجر به پایان برسد. برای حسین مسافر آستانه، شاید این تصور وجود نمی‌داشت که جشنواره‌اش سرشار از اعتراضات و انتقادات شود. چهره آرام و متین مسافر آستانه برای بسیاری حکم آب روی آتش بود. انتخاب او در جشنواره بود برای آرام کردن اتفاقات سال ۹۸ و کنار کشیدن بخش مهمی از بدنه هنری کشور به واسطه سرنگونی هواپیمای اوکراینی، اتفاقی که شاید عامل عدم همراهی نادر برهانی‌مرد و شهرام کریمی در ادامه مسیر دولت حسن روحانی باشد. با این حال، در سایه کرونا، جشنواره ۳۹ یک دور همی بی‌سروصدا بود. همه چیز آنلاین بود و تئاتر دوستان چندان تمایل نداشتند به این شیوه تازه‌تره موسوم، نمایش‌ها را به تماشا بنشینند. به خصوص آنکه بیشتر نمایش‌های حاضر در جشنواره یا تکرار آثار گذشته بودند یا آثار ناشناخته‌ای که کمتر کسی را مجاب‌به دیدن می‌کرد. از برکات همین سکوت خبری و رسانه‌ای بود که قادر آشنافسار فجر چهل‌م را در دست یار قدیمیش می‌گذارد تا شاید با کم‌رنگ شدن کرونا، جشنواره‌ای جذاب‌تر برگزار شود؛ اما شاید سادگی بیش از حد مسافر آستانه مناسبتی با چهل سالگی فجر نداشت. او مردی نبود که سرش درد بگیرد برای هیجان و شور، او فرهاد مهندس پور نبود که خود را در دهان اهالی رسانه بیندازد و در برابر توپخانه پرسش‌هایشان، پاسخ‌های ژورنالیستی دهد. مسافر آستانه مرد روزهای سخت نبود و برای درک این موضوع بهتر است

به دوره ۲۴ام جشنواره فجر بازگردیم؛ جایی که دولت اصلاحات رفته بود و میراث فجر پر سر و صدای مهندس پور نصیب مسافر آستانه شده بود. در ۳۰ دی ۱۳۸۴، حسین مسافر آستانه پای نخستین نمایش جشنواره‌اش نشست و از آنچه ساخته بود، ابراز خشنودی کرد. اولین جشنواره تئاتری زیر نظر محمود احمدی‌نژاد، توسط مدیر شورای نظارت عصر خاتمی برگزار می‌شد. آن سوی میدان نیز مدیر اداره کل هنرهای نمایشی کسی نبود جز حسین پارسایی که در دوران خاتمی، چند روزی رئیس تئاتر شهر شده و حضورش با توقیف نمایش «مجلس شبیه در ذکر مصایب استاد نوید ماکان و همسرش مهندس رخسید فرزین» جنجالی شده بود. به هر حال مسافر آستانه همدل با شریف‌خدایی، مدیر دولت اصلاحات از سمت دبیری شورای نظارت استعفاداده و در انجمن نمایش جایگزین مهندس پور شده بود. او در واقع هسر آنچه میراث مهندس پور بود، یک‌بار به دست آورده بود؛ همان طور که پارسایی یک شبیه‌ره

صدساله مدیریت تئاتر را از دفتری در قم، به دست آورده بود. با این وجود دوره ۲۴ام قابل قیاس با دوره ۳۰ام نبود. در اولین سال حضور اصولگراییان بر مسند دولت، حسین مسافر آستانه همان اسلوب مهندس پور را ادامه داد. او گویی جرأت تغییرات را نداشت و تمایزش آن بود که با کمترین حواشی جشنواره‌اش را پیش برد. اولین نیاز حضور چهره‌های شاخص است. آزی‌تاج حاجیان، سیاوش طهمورث، مسعود رایگان، مجید جعفری، حسین عاطفی، بهروز غریب‌پور، هادی مرزبان، قطب‌الدین صادقی، کوروش نرمانی، حمیدرضا نعیمی، محمد رحمانیان، رضا صابری، نادر برهانی‌مرد، سیامک احصایی و اکبر زنجانی‌پور شاخص‌ترین مسافر آستانه همان اسلوب مهندس پور را ادامه داد. او گویی جرأت تغییرات را نداشت و تمایزش آن بود که با کمترین حواشی جشنواره‌اش را پیش برد. اولین نیاز حضور چهره‌های شاخص است. آزی‌تاج حاجیان، سیاوش طهمورث، مسعود رایگان، مجید جعفری، حسین

اگر جشنواره ۲۴ام تئاتر فجر برای حسین مسافر آستانه محبوبیت و رسیدن به صندلی مدیر تئاتر اداره کل هنرهای نمایشی را به ارمان آورد؛ اما جشنواره چهل‌ام هیچ دستاورد روشنی برای او نداشته است

وضعیت‌های مختلف اما در وجهی نامطمئن و غالباً با چشم‌هایی بسته حضور دارد. هنگامی که او چشم‌هایش را گشوده است نگاه مستقیمی به رویه روندار دو حضورش به گونه‌ای بر بوم طراحی شده که انگار دارد صورتش را نگاهش را از ما پنهان می‌کند یا می‌دزدد. اما نکته جالب توجه دیگر در روند حرکت آثار این هنرمند به نمایش گل‌ها و گیاهان در تصویر برمی‌گردد. در آثار گذشته قاسمی شاید بانوعی ساده‌نمایی عمده بر وجوه لطیف گل و گیاه و تاثیر آن تاکید می‌شد. اما گل‌ها و گیاهان در آثار متأخر این هنرمند به دلیل شکل طراحی بیشتر از این که به گل شبیه باشند به خار شبیه هستند. به آن نوع پوشش‌های پرتیغ و زمختی که در محیط‌های بیابانی به چشم می‌آیند و در بیشتر اوقات با زندگی روزمره انسان شهری ارتباطی ندارند. یکی دیگر از اتفاق‌های قابل تامل در نمایش گل‌ها پاک شدن و از بین رفتن تصویر آنها در بخش‌هایی از تصویر است. شاید به لحاظ انتخاب رنگ تفاوت چندانی میان آثار جدید و گذشته قاسمی وجود نداشته باشد اما حرکت، نحوه نمود المان‌ها در تصویر و حتی برخی از رجاع‌های فرامتنی که هنرمند در آثارش گنجانده است فضای کارهای او را به نسبت گذشته با تغییر چشمگیری روله‌رو کرده است. در گذشته اگر آثار قاسمی به واسطه سادگی و لطافت نمایان‌گر آن بعد آرام و وجود انسانی بودند حالا آثار او به بروز خشم و خشنوت‌نقب می‌زنند. دست‌هایی که با رنگ قرمز از لابه‌لای پوته‌های سیاه بیرون آمده و با صورت دل‌تک‌هایی که در

حسین مسافر آستانه احتمالاً امسال هم بر حسب عادت همان فراخوان همیشگی را منتشر کرده است و با همان تر فندبه بچه‌ها بگوید چیزی هم سفارش گونه برای فجر مهیا کنند. قصدر فوع کردن این باگ همیشگی جشنواره کرده است. آثاری که نه جایزه‌ای کسب می‌کنند و نه نظری را جلب

معمول و غیر معمول به سبک نامعمول سانسور می‌شوند؛ چون بیشتر آثار حاضر در فجر هیچ سختی با ولایت‌های فجر ندارند. حسین مسافر آستانه احتمالاً بر حسب عادت همان فراخوان همیشگی را منتشر کرده است و با همان تر فندبه بچه‌ها بگوید چیزی هم سفارش گونه برای فجر مهیا کنند. قصدر فوع کردن این باگ همیشگی جشنواره کرده است. آثاری که نه جایزه‌ای کسب می‌کنند و نه نظری را جلب. پس گویی افزایش دو برابر بودجه جشنواره هم نمی‌تواند جشنواره چهل -به یاد داشته باشیم که عدد چهل به لحاظ استعارای بار مذهبی دارد- را تبدیل به جشنواره‌ای موضوعی کند. موضوع جشنواره بر حسب ولایت‌هایش چیزی جز مذهب، انقلاب و اخلاق نیست. اگر جشنواره ۲۴ام تئاتر فجر برای حسین مسافر آستانه محبوبیت و رسیدن به صندلی مدیریت اداره کل هنرهای نمایشی را به ارمان آورد؛ اما جشنواره چهل‌ام هیچ دستاورد روشنی برای او نداشته است. او که سه سال پیش در زمان نخستین بر صندلی مدیریت تماشای جشنواره ایران‌شهر گفته بود «این حضور موقتی است»، به جشنواره فجر همانند ایران‌شهر نگاهی پر دوام داشت. حضور پر رنگ نیروهای شورای نظارت در هیأت انتخاب، داوری و حتی در مقام هنرمند از چالش‌ها و در دسر‌ها؛ اما واقعیت آن است که فجر راهی برای دوام نیست؛ همان طور که چهل سال به هیچ دبیری رحم نکرده است.



تصویر که به نوعی به آثار گذشته قاسمی شباهت دارد، به واسطه نوعی هوشمندی در انتخاب رنگ نیز صورت می‌گیرد. در این اثر صورت فیگور ایستاده در قاب با شعله تک شمع روشن بر بالا لوستر که ماس و همسطح با صورت فیگور است یک رنگ هستند. هر دو فیروزه‌ای رنگ هستند. زاویه نگاه فیگور به بیرون قاب و به جایی است که از افق دید ما هم خارج است و همین اتفاق منجر به آن می‌شود تا مخاطب از پس همه این آشفتگی‌ها باز هم به نظمی که چشم به پیش رو بسته است برسد و بر روی آن تمرکز کند. در حقیقت این اثر نمود حقیقی ذهنیت و درون قاسمی است.

تجسیمی

نگاهی به نمایش آثار بهناز قاسمی در «foundry foundation» دبی

نظم در رویای آشفته



علیرضا بخش‌ی استوار

نمایش آثار بهناز قاسمی هنرمند ایرانی با عنوان «connections in my psyche» این روزها در «foundry foundation» دبی به نمایش در آمده است. یکی از عناصر مهم برای تحلیل یک اثر هنری و پس از آن رسیدن به تفسیری شمایل‌شناسانه خوانش شکل حرکت در یک اثر است. بهناز قاسمی هنرمندی است که طی چند نمایش اخیر خود مسیرهایی را برای خلق اثر انتخاب کرده است که دامنه این تحلیل‌ها را به شکل ناخواسته‌ای گسترش می‌دهد. حرکت در آثار قاسمی نمود ویژه‌ای دارد. در آثار او معمولاً بخشی از اثر بیرون از قاب شکل می‌گیرد و به فضای روی دیوار کشیده می‌شود. در واقع قاب نقاشی به تنهایی برای انتقال معنی کفایت نمی‌کند و زمانی که آثار او روی دیوار گالری می‌رود تاز به بخش دیگری از کار این هنرمند آغاز می‌شود. اگر چه بیرون زدن بخشی از یک قاب امر تازه و فقط منحصر به این هنرمند نیست اما صراحت بر انجام این کار به عنوان بخشی از آثار هنری خود یکی از مسائلی است که آثار قاسمی را قابل تامل می‌کند.